

سایه «پان عربیسم» بر نشست شرم الشیخ

تاکید بر عنصر «عربیت» در میان کشورهای عرب خاورمیانه محدود به نشست اقتصادی شرم‌الشیخ نمی‌شود، بلکه فضای رسانه‌ای کشورهای عربی را نیز تحت تأثیر قرار داده و به‌ذنبال آن موجی از احساسات «ضد ایرانی» به‌راه افتاده است.

درهمین راستا، روزنامه «الخلیج» چاپ بحرین نیز در یادداشتی به قلم «یوسف مکی» از تلاش ایران برای تقویت گروه‌های زیدی یمنی در استان «صعدة» و مناطق جنوبی آن کشور به‌منظور مقابله با عربستان سعودی نوشته است. روزنامه «الحیات» نیز در یادداشتی به قلم «غسان شریل» نوشته است که عراق آمیز نیست اگر بگوییم ما اعراب درحال «زیستن در روزها و حال‌وهوای ایرانی‌ها» هستیم، چراکه ایران در هر تحول و رویدادی در منطقه نقش و حضور دارد. تلاش‌های سعودی‌ها برای رازینی با مقام‌های کشورهای غیرعربی از جمله ترکیه و پاکستان و نیدرقتن خواسته سعودی‌ها از سوی آنان برای قرارگرفتن در «اتلاف ضد ایرانی» به سبب خودداری از هزینه گزاف بدترشدن روابط با کشور مهم همسایه‌شان یعنی ایران همگی سبب شده تا اراده لازم برای تشکیل جبهه متحد عربی تقویت شود؛ تصمیمی که از مدت‌ها پیش رزمه‌های آن با انتشار اخباری چون تلاش برای تشکیل فرماندهی نظامی مشترک کشورهای عربی شنیده شده بود.

ادامه در صفحه ۱۹

نوروز خوبی‌ها

آدم‌های خوب زیانده، اما اقتدر فروخته در خود که چند آدم بد، می‌توانند همه‌شان را پشت جثه‌های درشت و کوه‌پیکر خود، پنهان کنند؛ تنها کافی است لحظه‌ای خود را رها کنیم و بیش‌ازحد به این شرارت‌ها نزدیک شویم؛ بوی زالت چنان شدید خواهد شد که هر عطر دلنوازی را می‌کشد، مژه تلخ نامردمی آتقدردل‌زداست که طعم گواری جهان را از حساس‌ترین کام‌ها نیز خواهد ربود. نوروز است و دست‌های ما همچنان برای خوب‌ها، خالی و برای بد‌ها، ناتوان. نوروز است و امیدهای ما همچنان، شعله‌هایی‌کوچک. اما نوروز همچون همیشه در وعده‌اش حاضر شده؛ آب هست، چمن‌ها هستند، آسمان هست و سفره‌ای که پهنش کرده‌ایم و بر گردش نشسته‌ایم و ساعتی که صدایش هنوز به گوش می‌رسد تا گواهی باشد بر چرخشی که شاید بتواند چرخشی در زندگی‌مان باشد. همه‌چیز را می‌توان از نو آغاز کرد، همیشه می‌توان گذشته را از تلخی فروموشی به شیرینی حافظه بدل کرد و از آن چشمه‌ای ساخت که آینه‌های ناباورانه را بارور کند. بیایم چنین به جهان بنگریم، بیایم بگذاریم جهان چنین به ما بنگرد. بدی‌ها و بوها و طعم‌های گند را کنار بزنیم تا جایی برای خوبی‌ها، آدم‌های مهربان و ساد، جایی برای صمیمیت‌ها و برای لبخندها باز کنیم؛ جایی برای آدم‌هایی که هنوز آمدند؛ آنها که در این جنگ میهم، خود را تنهایی‌تنها می‌دانند و از یاد می‌برند که چه‌بسیارزند دیگری که همچون آنها کنارشان ایستاده‌اند، می‌خواهند دستشان را بگیرند، می‌خواهند سر صحبت را باز کنند، بر آنها لبخند بزنند، در آغوش بگیرندشان، روشنشان را ببوسند و برایشان زندگی با شرف و سلامت و شادمان باوجود همه بدی‌ها آرزو کنند.

استقبال از توافقی تاریخی

برای نخستین‌بار بعد از انقلاب، مقامات دو کشور حاضر شده‌اند سخن هم را بشنوند و به دغدغه‌ها پاسخ دهند. وقتی آمریکایی‌ها می‌گویند ما نگران برنامه‌های هسته‌ای ایران هستیم، ایران اعلام می‌کند چه گام‌هایی می‌تواند در جهت اعتمادسازی جهانی بردارد، در عین حال، تونان به هسته‌ای بومی ایران حفظ شود. متقابلا، آمریکایی‌ها هم با علامت‌هایی که می‌فرستند نشان دادند نه به دنبال براندازی نظام ایران و نه حتی خواهان تضعیف ایران هستند و نه دعوای بنیادی دیگری با ما دارند. آنها می‌گویند مشکل آنها واقعا همان نگرانی است که از جانب توانمندی‌های هسته‌ای ایران احساس می‌کنند، در فضای مثبت جدید به وجود آمده، دو طرف کام‌به‌کام به سمت برداشتن اختلافات و تلاش در جهت حصول توافق می‌روند. می‌ماند پرسشی که دید ی‌یا زود و بعد از اعلام رسمی توافق در تهران و واشگتن به تدریج مطرح خواهد شد؛ اینکه اگر ایران و ایالات متحده بتوانند در جهت اعتمادسازی و بر و راستای نوعی تنش‌زدایی حرکت کنند و بر سر موضوع دشوار و پیچیده هسته‌ای به سمت تفاهم بروند، چرا در سایر زمینه‌ها این رویکرد به کار گرفته نشود؟ اتفاقا به واسطه نگرانی از طرح چنین پرسشی است که تمام کسان که به کمتر از محو جمهوری اسلامی ایران رضایت نمی‌دهند، به دست‌یافتن افتاده‌اند تا جلوی توافق تاریخی را بگیرند. ۲۷ سناتور آمریکایی، نتانیا‌هو، جمهوریخواهان تندرو و برخی کشورهای منطقه که امیدوار بودند تقابل هسته‌ای ایران و غرب همچنان ادامه یابند، نگران شده‌اند؛ چرا که می‌دانند این توافق ممکن است سرآغاز فصل جدیدی میان ایران با غرب شود.

شرق؛ موضوع سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک‌اصول اساسی برای نیل به توسعه پایدار محسوب می‌شود و حکومت‌ها و جوامعی موفق قلمداد می‌شوند که بتوانند با اتخاذ سیاست‌های لازم در ارتباط با جامعه، به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند؛ زیرا سرمایه اجتماعی بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی تلقی شده و در غیاب این سرمایه، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند، بنابراین افزایش رانت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در غیاب ساختار نهادی قدرتمند، با تخریب سرمایه اجتماعی، به مانعی برای توسعه تبدیل می‌شود. زمانی که دولت بر درآمدهای رایگان نفتی یا هر منبع طبیعی دیگری تکیه می‌کند، دیگر ضرورتی برای کمک به تکامل و عملکرد موفق نهادهای اجتماعی بیرون از خود نمی‌بیند. به‌نظر می‌رسد افزایش منابع نفتی با همه دستاوردهای آن، تضعیف نهادهای و کاهش اعتماد را به همراه داشته که در نهایت به کاهش سرمایه اجتماعی منجر شده است. ۶۵ سالگی ملی‌شدن صنعت نفت بهانه‌ای شد تا درباره نسبت میان سرمایه اجتماعی و نفت با جعفر خیرخواهان، استاد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد به بحث بنشینیم، مصاحبه «شرق» با این استاد دانشگاه را در ادامه می‌خوانید:

❧ نفت در اقتصاد ایران پس از ملی‌شدن صنعت نفت، چه تاریخی را پشت‌سر گذاشته است؟ برخی بر این باورند که نقطه دولتی‌شدن نفت در اقتصاد ایران با ملی‌شدن آن آغاز شد. آیا نفت در ایران می‌توانست سرنوشتی غیر از آنچه برایش محقق شد، داشته باشد؟
بله می‌توانست. در کشوری مانند نروژ ۴۵سال پیش نفت وارد اقتصاد این کشور شد. در مقایسه با ایران، آنها ۴۵سال پیش پی برند که از منابع عظیم نفتی برخوردارند. کشف نفت به‌عنوان موضوعی دربرابر عقلای جمعی این کشور قرار می‌گیرد و در مواجه‌شدن با آن به تامل می‌پردازند. در ابتدا، این طرح را مطرح کردند که احداث تکل‌های نفتی محدود و مجوزهای کمی درخصوص آن صادر شود. ازسویی تصمیم گرفتند منابع حاصل از نفت استخراج شده، وارد اقتصاد کشور نشود و به‌طور مستقیم دراختیار دولت قرار نگیرد. همچنین بخش خصوصی در این بخش وارد می‌شود تا بهینه‌ترین برداشت از منابع نفتی صورت گیرد. بخشی از این بهینه‌سازی به آسیب‌های زیست‌محیطی مربوط می‌شود. به‌طورکلی همه این موارد از موضوعاتی بوده است که درخصوص آن فکر و اندیشه شده است و استفاده از منابع نفتی را به امری هدفمند و همراه با برنامه‌ریزی بدل کرده است. برخلاف نروژ در ایران، افراد حرفه‌ای و دانشمند نتوانستند به برنامه‌ریزی درخصوص نحوه استفاده از نفت دست زنند. بخشی از این موضوع به سلطه کشورهایی مانند انگلیس که در ایران نفوذ زیادی داشتند، مربوط می‌شود. البته این موضوع به ابتدای تاریخ کشف و استخراج نفت در ایران بازمی‌گردد، اما به‌طور قطع تاریخ نفت در ایران می‌توانست به‌شکل دیگری رقم بخورد. ملی‌شدن صنعت نفت می‌توانست نقطه‌عطفی چشمه‌ای ساخت که آینه‌های ناباورانه را بارور کند. بیایم چنین به جهان بنگریم، بیایم بگذاریم جهان چنین به ما بنگرد. بدی‌ها و بوها و طعم‌های گند را کنار بزنیم تا جایی برای خوبی‌ها، آدم‌های مهربان و ساد، جایی برای صمیمیت‌ها و برای لبخندها باز کنیم؛ جایی برای آدم‌هایی که هنوز آمدند؛ آنها که در این جنگ میهم، خود را تنهایی‌تنها می‌دانند و از یاد می‌برند که چه‌بسیارزند دیگری که همچون آنها کنارشان ایستاده‌اند، می‌خواهند دستشان را بگیرند، می‌خواهند سر صحبت را باز کنند، بر آنها لبخند بزنند، در آغوش بگیرندشان، روشنشان را ببوسند و برایشان زندگی با شرف و سلامت و شادمان باوجود همه بدی‌ها آرزو کنند.

❧ شما به مقایسه ایران و نروژ پرداختید و به‌نحوی ریشه مساله نفت در ایران را به مدیریت آن مربوط می‌دانید. آیا نمی‌توان دخالت خود دولت در صنعت نفت را به‌عنوان مساله شناخت؟

همان‌طور که پیش‌تر گفتم، مساله نفت در ایران به سیاست‌گذاری‌های کلان درمورد آن برمی‌گردد. به‌عنوان مثال مدیریت نفت نیازمند نهادهای قانونگذاری قوی است، با وجود نهادهای قدرتمند قانونگذاری است که می‌توان بودجه نفت را به‌صورت مطلوب مدیریت کرد و

منابع از تلف‌شدن این منابع در راه فعالیت‌های کوتاه‌مدت و نمایشی شد. درواقع می‌توان مساله نفت در ایران را فقدان نهادهای سازنده در جهت مدیریت نفتی دانست. با نبود نهادهای مناسب نگاه جامعی به ثروت هنگفت نفتی شکل نگرفته است و در نهایت امکان بهره‌وری مناسب از این ثروت ایجاد نشده است.

❧ با وجود اشتراک ایران و نروژ در برخورداری از منابع نفتی، تفاوت‌های زیادی در میان این دو کشور از نظر میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد. تعریف شما از سرمایه اجتماعی چیست؟

بحث اصلی درخصوص سرمایه اجتماعی، اعتماد است. شبکه‌های ارتباط‌دهنده و سازمان‌هایی که افراد را در پیوند با یکدیگر قرار می‌دهد، از مهم‌ترین عوامل بالا رفتن سرمایه اجتماعی است. هرچه این شبکه‌ها و سازمان‌ها قوی‌تر و سازماندهی‌شده‌تر باشد، میزان سرمایه اجتماعی بالاتر خواهد بود. یکی از مهم‌ترین وجوه سرمایه اجتماعی به‌صورت اعتماد بروز پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال اعتمادی که مردم به سازمان‌های مختلف از قبیل پلیس، قوه‌قضاییه و… دارند. در صورت بالا بودن سرمایه اجتماعی اگر حکمی از سوی قوه‌قضاییه صادر شود، احساس مردم از عادلانه‌بودن آن بیشتر خواهد بود. به‌طورکلی سرمایه اجتماعی مانند جسی عمل خواهد کرد که همه اجزای جامعه را نزدیک یکدیگر نگه می‌دارد و در کم‌هزینه‌شدن فعالیت‌ها کمک بسزایی خواهد کرد. بالا بودن سرمایه اجتماعی به این معنی است که مردم از حسن حمایتگری بالایی نسبت به یکدیگر برخوردارند و افراد از مسوولیت‌های اجتماعی خود شانه خالی نخواهند کرد. مجموعه این شرایط سرمایه‌ای اجتماعی و به تعبیری سرمایه‌ای نامرئی را ایجاد خواهد کرد. با وجود این سرمایه مردم باور خواهند داشت که قوانین موجود می‌تواند منافع آنها را تأمین کند.

❧ به‌طورکلی نفت چه تأثیری بر میزان سرمایه اجتماعی خواهد گذاشت؟ آیا در نروژ نحوه مدیریت منابع نفتی این سرمایه اجتماعی را ایجاد کرده است؟
خیر. درواقع عکس این فرایند رخ داده است. یعنی سرمایه اجتماعی در آن محیط وجود داشته است و با وجود این بستر مناسب، ورود نفت به این ساختار می‌تواند نقش موثر و مفیدی را بازی کند. نقطه مقابل این وضعیت را می‌توان برخی از کشورهای آفریقایی دانست. در این کشورها به‌دلیل فقر سرمایه اجتماعی، با کشف منابع نفتی، کل جامعه وارد ستیز و درگیری می‌شود و نفت به‌صورت مستقیم موجب نابودی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی این کشورها می‌شود. در این شرایط همان ته‌مانده‌های سرامیه اجتماعی از میان می‌رود و نفت حاصلی جز بدبختی، گشتار، دزدی و فساد نخواهد داشت.

❧ در نتیجه شما نفت را در بررسی نسبت آن با سرمایه اجتماعی موضوعی ثانویه می‌دانید. یعنی رشد سرمایه اجتماعی الزاما با افزایش درآمدها و منابع مالی ایجاد نمی‌شود…

بله. همان‌طور که پیش‌تر گفتم در میان شهروندان نروژی این اعتماد به ساختارهای قدرت وجود داشت که اگر منابع مالی نفت در صندوق ذخیره شود، استفاده بهینه‌تری از آن خواهد شد. در این قبیل کشورها این اعتقاد وجود دارد که در آینده جوانانی که در حال

اقتصاد

نفت و سرمایه اجتماعی در گفت‌وگو با جعفر خیرخواهان بررسی شد

نفت، سرمایه اجتماعی؛ نزاع سیاسی



حاضر مشغول به کار هستند، به دوران ازکارافتادگی خواهند رسید و این فکر نشایزند پشتوانه‌های زندگی از قبیل تأمین‌اجتماعی هستند. در نتیجه این منابع می‌تواند برای دوران سالمندی آنها و نسل‌های بعدی استفاده شود. اعتماد موجود در میان افراد موجب می‌شود صبر و شکیبایی لازم برای شکل‌گیری نگاهی بلندمدت در میان شهروندان ایجاد شود. در مقابل با وجود فضای بی‌اعتمادی در میان افراد، رویکردها کوتاه‌مدت خواهد شد و به‌دست‌آوردن منابع مالی در سریع‌ترین زمان موضوعیت می‌یابد. در این شرایط کمتر به موضوع تولید اندیشه‌ای می‌شود. ورود هزینه‌های نفتی به سرزمینی که سرمایه اجتماعی در آن پایین است در نهایت منجر به افزایش ستیزی می‌شود. این ورود نامیومون مشابه جدال فیزیکی چندنفر در مغازه چینی‌فروشی است. این درگیری در نهایت همه آن اجناسی را که در آن مغازه وجود دارد از بین می‌برد.

❧ نسبت رابطه میان نفت و سرمایه اجتماعی در ایران به چه نحوی بوده است؟
با گسترش درآمدهای نفتی وابستگی دولت به بخش خصوصی و به‌طورکلی مردم کنده شد و همین موضوع باعث شد توجه دولت به این بخش کم شود. سهم نفت در دهه ۴۰ (هجری شمسی) در بودجه دولت پایین بود، در نتیجه نمی‌توانست اتکای چندانی به آن داشته باشد. همین موضوع فرصتی مناسب برای رشد اقتصادی و توجه به بخش خصوصی بود. دولت مجبور بود به تولیدکنندگان کمک و از آنها پشتیبانی کند. اما با شوک نفتی در دهه ۵۰ رویه‌رو شد و منابع نفتی به‌شدت افزایش یافت به نحوی که اگر پیش از آن دولت در پی‌گرفتن وام ۵۰میلیون‌دلاری از بانک جهانی بود با درآمدهای میلیارد دلاری رویه‌رو شد. این منابع نفتی به خزانه سرازیر شد. پس از انقلاب نیز همین طمع نفتی و درآمدهای عظیم آن صدام را به جنون کشاند و جنگ هشت‌ساله را بر کشور ما تحمیل کرد. شاید اگر نعمت نفت در ایران و عراق وجود نداشت، این جنگ هیچ‌گاه رخ نمی‌داد. همین موضوع دلیل دیگری است که می‌توان نفت را به‌عنوان علت نزاع و ستیزی شناخت. در دوران جنگ اتقدیر نفت فروخته شد و از منابع آن سلاح خریداری شد که بار دیگر قیمت نفت افت کرد. متأسفانه ما نتوانستیم آن نهادهای لازم را برای مهار و مدیریت منابع نفتی ایجاد کنیم. همان اتفاق تاریخی دهه ۵۰ به نحوی دیگر در دولت نهم و دهم رخ داد. در این دوره تاریخی فقدان مجلسی قدرتمند که بتواند ایستادگی کند و بر نحوه هزینه منابع نفتی نظارت داشته و آن را محدود کند، محسوس بود. همچنین مطبوعات نیز که می‌توانند اشکالات و کج‌روی‌ها را نشان دهند با محدودیت‌هایی رویه‌رو بودند. افزایش درآمدهای نفتی این هشت‌سال به کاهش سرمایه اجتماعی منجر شد و افزایش درآمدهای نفتی به رشد اقتصادی منجر نشد و بعد از گذشت زمان، از منابع صندوق توسعه تنها غباری باقی ماند و به‌کلی تخلیه شد. از عجایب روزگار این است که با وجود آنکه درآمدهای نفتی در این دولت حدود ۸۰۰میلیارددلار بود، رشد اقتصادی منفی‌شش‌درصد را خلق کرد.

❧ به‌هرترتیب سال‌هاست که نفت و درآمدهای آن وارد ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران شده است. آخرین روز کاری بورس تهران در سال ۹۲، با افزایش ۹۹۸و احدی همراه بود. حمید میرمعینی، تحلیلگر بازار بورس، درخصوص بازار سرمایه در سالی که گذشت، گفت: سال ۹۲ یکی از بدترین سال‌های بورس بود. قارغ از ریسک‌های سیستماتیک، بورس تهران به محلی برای آزمون و خطای مدیران تبدیل شد. سال ۹۳ مدیریت سازمان بورس با نگاهی غیرحرفه‌ای تغییر کرد و مدیری که تجربه کمتری داشت، در راس امور گماشته شد. به‌طور کلی مسیر اقدامات انجام‌شده در این بازار، در سال گذشته، به‌سمت توسعه نبود و روندی منطقی را طی نکرد. گواه این ادعا بستن نمادهای پالایشگاهی به‌دلیل عدم‌شفافیت‌های این شرکت‌ها بود، اما باوجود یک‌سال تأخیر و آزدست‌رفتن سرمایه ۱۸هزارمیلیاردی سرمایه‌داران، نماد آنها با ابهامات فراوانی بازگشایی شد. بورس تهران به موش آزمایشگاهی بدل شده است که مدیران آن که متعلق به یک مکتب اقتصادی‌اند، آزمون اشتباه در آن را خطا نمی‌دانند. وی دلیل مثبت‌بودن بازار در روز گذشته را فضای مثبت ایجادشده تحت‌تأثیر اخبار خوش هسته‌ای دانست.

۹۳، سال بد بورس

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۲۵۳۱/۸	۹۸۸/۹
۳۰ شرکت بزرگ	۲۸۷۷/۱	۶۴/۳
آرژاد شناور	۷۲۲۰۹/۸	۱۵۲۲/۴
شاخص قیمت	۲۶۹۸۷/۳۰	۴۳۱/۰۹
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۸۶۱/۵۰	۱۱۷/۷۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۹۰۳۵/۵۰	۱۰۷/۸۰

شرق؛ آخرین روز کاری بورس تهران در سال ۹۲، با افزایش ۹۹۸و احدی همراه بود. حمید میرمعینی، تحلیلگر بازار بورس، درخصوص بازار سرمایه در سالی که گذشت، گفت: سال ۹۲ یکی از بدترین سال‌های بورس بود. قارغ از ریسک‌های سیستماتیک، بورس تهران به محلی برای آزمون و خطای مدیران تبدیل شد. سال ۹۳ مدیریت سازمان بورس با نگاهی غیرحرفه‌ای تغییر کرد و مدیری که تجربه کمتری داشت، در راس امور گماشته شد. به‌طور کلی مسیر اقدامات انجام‌شده در این بازار، در سال گذشته، به‌سمت توسعه نبود و روندی منطقی را طی نکرد. گواه این ادعا بستن نمادهای پالایشگاهی به‌دلیل عدم‌شفافیت‌های این شرکت‌ها بود، اما باوجود یک‌سال تأخیر و آزدست‌رفتن سرمایه ۱۸هزارمیلیاردی سرمایه‌داران، نماد آنها با ابهامات فراوانی بازگشایی شد. بورس تهران به موش آزمایشگاهی بدل شده است که مدیران آن که متعلق به یک مکتب اقتصادی‌اند، آزمون اشتباه در آن را خطا نمی‌دانند. وی دلیل مثبت‌بودن بازار در روز گذشته را فضای مثبت ایجادشده تحت‌تأثیر اخبار خوش هسته‌ای دانست.

است. اکنون باید با موقعیت ایجادشده چه برخوردی کرد و چگونه می‌توان آن را اصلاح کرد؟

در‌حال‌حاضر سازمان‌های جهانی و بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای رشد بیشتر و مناسب‌تر کشورها به آنها مشاوره می‌دهند. شاه‌کلید مشاوره‌های ارایه‌شده «احتیاط» است. احتیاط و پرهیز از اینکه این کشورها بخواهند گام‌های بلند بردارند و به مردم وعده‌های آجتجانی دهند. به‌عنوان مثال در دوران شاه وعده‌هایی از قبیل رساندن ایران به تمدن بزرگ، قرارگرفتن ایران در میان پنج کشور پیشرفته دنیا و… داده می‌شد. دولت گذشته نیز خود را مسوول مدیریت می‌دانست در‌حالی‌که از رفع نیازهای اساسی مردم عاجز بود. برای تغییر سرنوشت نفت باید نهادهای و حفاظت‌هایی را ایجاد کرد تا مانع از بلندپروازی‌های دولت‌مردان شود. همچنین باید شرایطی پیش بیاید تا بتوانیم به‌صورت واقع‌بینانه قدم برداریم بتوانیم تمامی زحمات و دست‌رنج‌هایی که صرف شده است را حفظ کنیم. دانش و تجربیات زیادی در طول همه این سال‌ها ایجاد شده که واردشدن نفت مانع از بالفتل‌شدن این پتانسیل‌ها شده است. درآمدهای نفتی این وهم را برای دولت‌ها ایجاد کرد که از متخصصان، دلسوزان، کارشناسان و بخش خصوصی بی‌نیاز است. در این شرایط دولت فعال میاشا می‌شود و خود را مختار در هر نوع رفتار می‌داند. علاوه‌بر بخش خصوصی سرمایه‌های فکری و مدیریتی کار گذاشته می‌شود. باید توجه داشت که اصلاح این ساختار و نگاه باید با صبر و حوصله انجام شود و فرآیندی بلندمدت است. آنچه بیش از هر موضوعی در سیاست‌گذاری نفتی اهمیت دارد، نگاه بلندمدت و توجه به نیاز نسل‌های آینده است. شکل‌گیری این نگاه منجر به اصلاح نحوه هزینه درآمدهای نفتی خواهد شد.

❧ شما به لزوم شکل‌گیری نگاه بلندمدت در مدیریت نفتی و بر لزوم توجه دولت به بخش خصوصی تأکید کردید. بخش خصوصی چه نقشی را می‌تواند در صنعت نفت ایفا کند؟

بخش خصوصی می‌تواند در بهره‌برداری از ذخایر نفتی نقش پررنگی داشته باشد. فعالیت و رقابت بخش خصوصی می‌تواند بهره‌وری استحصال نفت را بالا ببرد. در کشورهایی که بخش‌های خصوصی در استخراج نفت حاضر شده‌اند، میزان استحصال نفت از چاه‌های نفتی به ۷۰درصد می‌رسد. این در حالی است که میزان استحصال نفتی در ایران حدود ۳۰درصد است. در این شرایط بهره‌وری از چاه‌های نفت افزایش پیدا می‌کند.

❧ شما خصوصی‌سازی در نفت را به خصوص در برداشت منابع مالی محدود می‌کنید. چگونه می‌توان انتظار داشت در نبود بخش خصوصی قدرتمند، نهاد، یا صندوقی شکل بگیرد که دولت بتواند آن را دور بزند؟

در تمام کشورهای پیشرفته دنیا این دولت‌ها هستند که منابع نفتی را مدیریت می‌کنند و منابع نفتی به خزانه دولت‌ها وارد می‌شود. خصوصی‌سازی در صنعت نفت به معنی واگذاری منابع نفتی به بخش خصوصی نیست. البته باید توجه داشت، رابطه دولت و بخش خصوصی رابطه‌ای دوسویه است. زمانی که میزان منابع نفتی‌ای که در اختیار دولت قرار می‌گیرد؛ به وسیله نهادهای حقوقی و قوانین حمایت‌شونده حمایت شود؛ دولت به‌صورت طبیعی، به بخش خصوصی متمایل می‌شود. از سویی اگر مردم به این باور رسیده باشند که منابع حاضرآماده‌ای وجود ندارد، دولت نیز به خود اجازه استفاده از این منابع حاضرآماده را نمی‌دهد و به‌دنبال راه چاره دیگری می‌گردد. در این شرایط است که دولت نمی‌تواند دخالت بی‌مورد در اقتصاد و بازار داشته باشد و توان آن برای شکل‌دادن اقتصاد دستوری و دستکاری در قیمت‌ها کاهش می‌یابد. نادیده‌گرفتن پول نفت در نهایت منجر به توسعه بخش خصوصی خواهد شد. اما در شرایطی که پول نفت در اختیار دولت وجود نداشته باشد، مجبور است برای تأمین هزینه‌های خود را را برای بخش خصوصی هموار کند تا از قبل نه به درآمدهای مالیاتی به‌عنوان درآمد پاک برسد.

بازار طلا در انتظار نشست فدرال رزرو

طلو سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۳۲۰۰۰	—
طرح قدیم	۹۳۰۰۰۰	↓
نیم‌سکه	۵۳۴۰۰۰	↑
ربع‌سکه	۲۸۳۰۰۰	↑
گرمی	۱۸۵۰۰۰	—
گرم ۱۸ عیار	۹۴۷۹۰	↑
اونس طلا (دلار)	۱۱۶۸	↑

بازار طلای جهانی تحت‌تأثیر نشست فدرال رزرو آمریکا قرار گرفته است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل موثر بر قیمت طلا در روزهای آینده، روشن‌شدن نتایج نشست فدرال رزرو آمریکا و سیاست‌های پولی این کشور به‌خصوص در زمینه تعیین نرخ بهره خواهد بود. مصطفی قدرتی، تحلیلگر بازار طلا به «شرق» می‌گوید: قیمت جهانی و اونس در روز گذشته نوسان چندانی نداشت و در حدود هزار۹۶۸دلار بود. به نظر می‌رسد، قیمت جهانی اونس در انتظار بیانیه نشست پایانی فدرال رزرو آمریکاست. وی درخصوص بازار سکه در ایران گفت: سکه طرح جدید در ساعات آغازین بازار با قیمت ۹۴۰هزارتومان آغاز شد. قیمت سکه در ساعات پایانی افت داشت و به قیمت ۹۳۲هزارتومان رسید. سکه طرح قدیم نیز دوهزارتومان پایین‌تر از طرح جدید معامله شد و به‌دلیل تقاضای کمتر برای این سکه با نوسان کمتری رویه‌رو شد. نیم‌سکه نیز با دوهزارتومان افزایش نسبت‌به روز قبل به ۵۴۴هزارتومان رسید. این افزایش قیمت در مورد ربع سکه نیز وجود داشت.

بازار آجیل امسال هم داغ است

جنگ‌های منطقه‌ای

فندق را به عرش برد

● **وحید صابری:** آخرین روزهای سال ۹۳ در حال سپری‌شدن هستند. مردم مثل هرسال به‌دنبال خرید عیدانه‌اند و ازاین‌روست که در بازار تهران جای سوزن‌انداختن نیست. راننده‌های تاکسی از این وضعیت ناراضی هستند. آنها می‌گویند این‌روزها ساعات‌ها باید در ترافیک بمانند و نمی‌توانند زیاد مسافر جابه‌جا کنند. وقتی از خرید شب عید صحبت می‌شود، یکی از اولین چیزهایی که به یاد می‌آید خرید آجیل و خشکبار است. در سال‌های اخیر قیمت خشکبار بسیار بالا رفت. دوسال پیش این افزایش قیمت در لطیفه‌هایی که بین مردم رودبیل می‌شد نمود پیدا کرد. امسال اما به‌نظر می‌رسد اگر چه قیمت‌ها همچنان بالاست اما میزان افزایش قیمت چندان زیاد نبوده است. در بازار تهران که سراغ آجیل‌فروشا را بگیریم، نشانی بازار آهنگران را به شما خواهیم داد. آنها که می‌خواهند اندکی هم که شده کمتر پول برای آجیل بدهند، به این نقطه از بازار می‌آیند. محبوب‌ترین آجیل که چندکیلو آجیل خریده، می‌گوید: «من هرسال برای خرید به اینجا می‌آیم. قیمت‌ها خیلی هم با مغازه‌های داخل شهر فرق ندارد اما حداقل اینجا چون فروش زیاد است، مطمئن هستم که آجیل تازه می‌خرم. همین‌که بدانم آجیل سال پیش را نمی‌خرم برایم کافی است.» محبوب‌ترین آجیل شب عید بسته است. ارزان‌ترین بسته‌ای که در بازار پیدا می‌شود، بسته کله‌قوچی خام و ریز است که با قیمتی در حدود ۴۴هزارتومان به فروش می‌رسد. قیمت بسته شور ریز ۳۸هزارتومان شروع می‌شود. ارزان‌ترین بسته، یزترین دانه را دارد. هرچقدر دانه‌های بسته بزرگ‌تر است، قیمتش بیشتر می‌شود و تا ۵۸هزارتومان هم می‌رسد. مغز بسته جداشده از پوست با قیمتی بیش از ۶۸هزارتومان به فروش می‌رسد. بعد از بسته، نوبت به بادام می‌رسد. طاهرا بخشی از بسته بازار، تولید خارج از کشور و به‌خصوص مکزیک است. قیمت بادام از ۴۵هزارتومان شروع می‌شود و بسته به کیفیت و اندازه آن تا نزدیک ۷۰هزارتومان هم می‌رسد. نوع دیگری از بادام که به بادام‌منقی مشهور است، با پوست به فروش می‌رسد. پوست این نوع بادام بسیار نازک است و به‌راحتی با فشار دست شکسته می‌شود. یککیلو بادام‌منقی در حدود ۳۶هزارتومان قیمت دارد. یک فروشنده می‌گوید: «درخت بادام زودتر از ما شکوفه می‌دهد و به‌این‌برای سال‌هایی که هوا زود گرم می‌شود، شکوفه‌ها خیلی زود باز می‌شوند و با یک سرما همه شکوفه‌ها می‌ریزند. به‌همین‌خاطر است که برخی سال‌ها قیمت بادام یک‌مرتبه بالا می‌رود. امسال بادام خیلی رشد نکرده است. امسال فندق بیشتر گران شده است. قیمت بادام‌منقی از فندق کم‌تر از آن ترکیه خریداری می‌شود که امسال به‌خاطر جنگ‌های منطقه‌ای نسبت به سال گذشته واردات کمتری داشته است. قیمت فندق با پوست که طبیعتا ارزان‌تر از مغز آن است بین ۴۵ تا ۵۰هزارتومان است. قیمت مغز فندق دوباده حدود ۷۸هزارتومان است. مردی که در حال مزکدن چنددانه‌فندق است می‌گوید: «سال گذشته فندق کیلویی ۳۰ تا ۴۰هزارتومان فروخته می‌شد. امسال قیمت آن در بازارهای مناطق مختلف تهران گاه تا ۱۲۰هزارتومان رسیده است.» قیمت مغزهای پرطرفدار تا حد زیادی بالاتر از باقی آجیل‌هاست. قیمت مغز گردو بیش از ۶۰هزارتومان است. همچنین قیمت بادام‌هندی که زمانی گران‌ترین مغز روغنی بازار بود حدود ۴۸هزارتومان است. در میان این مغزها بادام‌زمینی کمترین قیمت را دارد. قیمت بادام‌زمینی از حدود کیلویی ۲۰هزارتومان شروع می‌شود. ارزان‌تر از بادام‌زمینی نخودچی است که حدودا کیلویی ۹هزارتومان قیمت دارد. در برخی از آجیل‌فروشی‌ها نوع خاصی از سویای بادام نیز به‌عنوان آجیل به فروش می‌رسد. قیمت این نوع سویا حدود کیلویی هفت‌هزارتومان است. معمولا آجیل‌های شور طرفدار بیشتری دارند تا آجیل‌های شیرین. اما همچنان که تنوع آجیل‌های شیرین بیشتر از آجیل‌های شور است کیفیت این نوع آجیل هم متوثر است. برای مثال انجیر سفید خشک‌شده را می‌توان از ۲۵هزارتومان تا ۴۵هزارتومان خریداری کرد. انجیرهای ارزان‌تر معمولا کوچک‌تر هستند، البته هستند کسانی که انجیر خشک را در کنار جای مصرف می‌کنند و به همین دلیل دانه‌های کوچک‌تر را بیشتر می‌پسندند. قیمت انجیری که به انجیر گل مشهور است حدود ۳۰هزارتومان است. توت‌خشک نیز از آجیل‌های شیرین است که می‌توان در کنار جای آن را سرو کرد. نوع ریزتر و سیاه‌تر توت‌خشک کیلویی ۳۰هزارتومان قیمت دارد اما قیمت نوع سفید و درشت آن کیلویی بیش از ۴۴هزارتومان است. در کنار توت‌خشک معمولا نوعی خرمای خشک‌شده به نام خرمای‌پیرام به فروش می‌رود که هرکیلو آن حدود ۲۰هزارتومان قیمت دارد. کشمش و موز انواع متعددی دارند. ارزان‌ترین نوع کشمش، کشمش بلوبی است که با قیمتی حدود هرکیلو ۹هزارتومان به فروش می‌رسد، اما انواع آجیلی کشمش و موز قیمت بالاتری دارند. کشمش سبز، بسته به شکل و اندازه دانه‌ها بین ۸۲تا۳۸هزارتومان قیمت دارد. موز شاهانی که دارای دانه‌های نسبتا بزرگ و سیاه است هر کیلو ۲۰هزارتومان است و موز فخری که دانه‌های کوچک‌تری نسبت به موز شاهانی دارد هر کیلو ۱۴هزارتومان قیمت دارد.

ادامه در صفحه ۵